

تقدم میدان بر نظریه در ارائه نظریه یاریگری در ایران

سید محمد بساطیان*

مرتضی سالمی قمصری**

تاریخ دریافت: ۹۰/۸/۲۲

تاریخ پذیرش: ۹۱/۶/۲۶

چکیده

اصولاً فرایند نظریه‌پردازی در هر دو روش کمی و کیفی مستلزم انجام مشاهدات متعدد است. در فرایند چرخه‌ای تولید علم در هر دو روش، پیوند آشکاری بین نظریه و روش وجود دارد. پیوند بین نظریه و روش بدین معنی است که خلق یک نظریه تعامل مستمری است بین مشاهده، تبیین و انجام مشاهدات جدید برای آزمون تبیین اولیه. در این میان نظریه‌های برخاسته از میدان تحقیق؛ به منزله یکی از گونه‌های تحقیق، به دنبال کشف و استدلال از دل داده‌های میدانی است که ماحصل حضور محقق در میدان پژوهش است. در این روش، محقق در ارتباط نزدیک با پدیده مورد مطالعه قرار می‌گیرد و حال اگر مشاهدات خود را در عرصه میدان تحقیق با مشارکت همراه کند، با یکی کردن خود با پدیده مورد پژوهش، زمینه شناختی عمیق و مستحکم از پدیده را فراهم می‌کند.

smbasatian@gmail.com

* کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی رفاه اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی

** کارشناس ارشد تاریخ ایران (دانشگاه شهید بهشتی) مدرس دانشگاه شهید بهشتی.

salemimr@gmail.com

www.SID.ir

اما روش‌شناسی کتاب انسان‌شناسی یاریگری^۱ گویای سبک علمی و خاص در ارائه یافته‌های نگارنده این اثر است. بدین ترتیب که نگارنده به منظور بیان یافته‌های خود به مثابه یک مردم‌شناس، بارها پل ارتباطی برای تولید علم، یعنی قیاس و استقراء را طی می‌کند؛ با استقراء شروع و با قیاس مباحث خود را کامل می‌کند. بدین صورت که وی از مشاهدات اولیه خود (که در نتیجه زندگی در کنار روستاییان است) برای نظریه‌سازی و از مشاهدات بعدی خود (که در نتیجه پژوهش‌های میدانی و کتابخانه‌ای است) برای نظریه‌آزمایی بهره می‌گیرد. از طرف دیگر نظریه‌پرداز نظریه یاریگری جهت آسان فهم کردن و مستدل کردن یافته‌های خود، هر دم از نردبان انتزاع پایین می‌آید و آن را با مشاهدات عینی تثبیت می‌کند. تشریح مفاهیم ذهنی با کمک مصادیق عینی منجر به سهولت درک یافته‌های نظری برای مخاطب شده است.

واژه‌های کلیدی: پژوهش میدانی، مشاهده مشارکتی، نظریه‌آزمایی،

نظریه‌پردازی، نظریه یاریگری

مقدمه

روش مشاهده و بویژه از نوع مشارکتی در حوزه علم انسان‌شناسی از چنان اهمیتی برخوردار است که از پایه‌گذاری روش مشاهده مشارکتی^۲ * توسط انسان‌شناس

۱- این اثر به قلم دکتر مرتضی فرهادی نگاشته شده است و نوشته پیش‌رو عمدتاً معرفی و نقدی است روش‌شناسانه بر ماحصل یافته‌های میدانی و دست‌نوشته‌های ایشان. در طی این مطلب عمدتاً به بررسی عملکرد روش‌شناسی آثار اندیشمند یاد شده و با تأکید ویژه بر کتاب «انسان‌شناسی یاریگری» پرداخته شده است. بدین منظور ابتدا به معرفی اجمالی اثر دکتر مرتضی فرهادی به عنوان یکی از مفصل‌ترین آثار وی پرداخته شده و سپس نقد روش وی در ارائه نظریه یاریگری به عنوان الگوی برجسته در روش میدانی و طی طریق فرایند نظریه‌پردازی در چرخه تولید علم مورد بحث واقع شده است.

۲- ماحصل سال‌های متوالی کار میدانی و مطالعات وسیع کتابخانه‌ای، تعدد مقالات، گزارشات و کتاب‌هایی است که دکتر مرتضی فرهادی در طی چند دهه از عمر خویش تالیف نموده است. بخش عمده آثار این اندیشمند نتایج

سرشناس، برانیسلاو مالینوفسکی با عنوان "انقلاب مالینوفسکی" یاد می‌شود. (ریویر، ۱۳۸۲: ۹۲) مالینوفسکی در ضرورت و تشریح چستی مشاهده مشارکتی اذعان می‌کند «یک انسان‌شناس باید موقعیت آسوده‌اش را در صندلی ایوان محوطه میسیونری، ایستگاه دولتی یا ویلای مستعمراتی رها کند، جایی که مجهز به مداد و دفتر یادداشت است و عادت کرده است از اطلاع‌دهندگان بومی، گفته‌هایی را ثبت کند، داستان‌هایی را بنویسد و با متون ابتدایی، صفحات کاغذ را پر سازد، او باید به دهکده‌ها برود و بومیان را ضمن کار در مزارع، ساحل و جنگل مشاهده کند... اطلاعات باید از طریق مشاهدات شخصی‌اش از زندگی بومیان با همه جزئیاتش به دست آید، نه از طریق اطلاعات جسته و گریخته و سهل انگارانه‌ای که اطلاع‌دهندگان در یک گپ کوتاه به او می‌دهند» (پولسکی به نقل از مک‌نیل، ۱۳۷۸: ۸۲) بنابراین مشاهده مشارکتی «چیزی نیست جز همان مشارکت عمل محقق در فرهنگ مورد بررسی» (بیٲس و پلاگ، ۱۳۸۹: ۱۰۰). روش کار در این نوع شیوه چنین است که محقق با استقرار در یک مکان در موقعیتی طبیعی برای مدتی تقریباً طولانی با توجه کردن، تجربه کردن و نشان دادن زندگی اجتماعی و فرایندهای اجتماعی که در آن موقعیت رخ می‌دهد سعی در شناخت آن جامعه دارد (سیلورمن، ۱۳۸۱: ۱۳).

دکتر فرهادی نیز «به تبع از اصول و اسلوب علمی و دانش انسان‌شناسی و از جمله هم نوا با مالینوفسکی معتقد به تقدم میدان بر نظریه است... میدان محتوایی را فراهم می‌سازد، که نظریه از آن خواهد تراوید» (فرهادی، ۱۳۸۸: ۹۲). وی از شیوه مشاهده همراه با مشارکت به عنوان مهمترین ابزار مطالعه در روش میدانی بهره می‌گیرد. در این میان اولین مرحله در مطالعات میدانی وی توصیف دقیق مشاهدات است که زمینه را برای تعریف و سپس طبقه‌بندی فراهم می‌آورد و نهایتاً بستر نظریه‌سازی را

مطالعات میدانی است که به روش‌های متداول مردم‌شناسی از طریق مطالعه موردی، مصاحبه‌های غیرساختمند، مصاحبه عمیق و... و به ویژه مشاهده مشارکتی صورت گرفته است.

فراهم می‌نماید. به واقع این مراحل، خود این اندیشمند همچنان که در مقدمه کتاب غنی "واره" از زبان موريس دوورژه تشریح و تصدیق می‌کند، طی نموده است (فرهادی، ۱۳۸۶: ۱۶) اما آنچه که نحوه مشاهدات دکتر فرهادی را از دیگران متمایز کرده است، شک در امور به ظاهر طبیعی و بریدن از دنیای عادت است. «یکی از بزرگترین مشکلاتی که بر سر راه مطالعه امور عادی و روزمره زندگی وجود دارد همانا عادی و روزمره بودن آن است» (محمدی، ۱۳۷۱: ۲۶۹). دکتر فرهادی این راه مشکل را در تشریح یاریگری طی کرده است و این یکی از اصلی‌ترین تفاوت‌های مشاهدات وی با دیگر اندیشمندان است. مشاهده پدیده‌هایی که در ظاهر ساده، طبیعی و بعضاً کهنه و بی‌کارکرد به نظر می‌رسند، مشاهده زوایای پنهان پدیده‌ها و رسوم و موشکافی دقیق مشاهدات، کشف ارتباط بین خیل عظیمی از مشاهدات در جوامع متعدد مورد مطالعه، به نوع مشاهدات ایشان خصلت متفاوتی بخشیده و انعکاس دهنده عمق مشاهدات ایشان می‌باشد. در کنار آن، مطالعات کتابخانه‌ای این امکان را برای دکتر فرهادی فراهم کرده است که به فهم برخی امور برسد و ساده‌سازی واقعیت و استناد به مبانی علمی پذیرفته شده را صورت‌پذیر سازد. بدین ترتیب دکتر مرتضی فرهادی با کاربرد روش میدانی، در میدان و حوزه تحقیق حاضر شده و با واقعیت اجتماعی ارتباط و برخورد نزدیکی برقرار کرده است و هر زمان که این امکان برایش مقدور نبوده، به مطالعات کتابخانه‌ای متوسل شده است. گزینش روش پرمشقت میدانی و روش مشاهده مشارکتی و انجام پژوهش در فضایی به دور از هیاهوی سیاسی توسط دکتر مرتضی فرهادی در حالی صورت گرفته است که ۹۰ درصد مقالات علمی ایران در چارچوب دولتی به چاپ رسیده‌اند^۱ (اعتماد و دیگران، ۱۳۸۲: ۲۲۰) و بیشتر تحقیقات در ایران رویکرد پوزیتیویستی دارند (کریمی و کچویان، ۱۳۸۵: ۲۸).

۱- انجام پژوهش‌های سفارش شده از سوی دستگاه‌های دولتی، تامین هزینه‌های پژوهش توسط دستگاه‌های دولتی به عنوان کارفرما، قرار دادن نتایج پژوهش توسط پژوهشگر در اختیار این دستگاه‌ها و نهادها به منظور کسب درآمد و انجام پژوهش با نظارت دولت و ... از مصادیق انجام پژوهش‌هایی با چارچوب دولتی است که

بکارگیری و استعانت از مطالعات کتابخانه‌ای و تئوریک به همراه پژوهش‌های غالباً میدانی که خصلت بارز پژوهش‌های وی است، در اغلب آثار ایشان نمایان است، «انسان‌شناسی یاریگری» از جمله این آثار است. این کتاب در ده فصل و یک پیوست نگاشته شده که در سال ۱۳۸۸ توسط انتشارات ثالث به شمارگان^۱ ۱۶۵۰ نسخه به چاپ رسیده است. این کتاب با مقدمه‌ای طولانی و غنی، که به حق نه تنها نماینده محتوای کل کتاب، بلکه گویای تفکر و یافته‌های سالیان متوالی پژوهش نگارنده است، آغاز می‌شود. مقدمه‌ای با صد و شش صفحه که با متنی جذاب در پی بیان واقعیت‌هایی درباره پدیده‌هایی است که مورد بی‌توجهی قرار گرفته و به راحتی از حوزه دیدگان ما پنهان مانده‌اند. پس از این مقدمه طولانی، وی در طی ده فصل به طرح مباحثی با ماهیتی مشترک می‌پردازد که حکایت از توجه همه جانبه نگارنده به یاریگری در سطوح گوناگون، حتی در میان جانوران متفاوت و در زمان‌ها و مکان‌های گوناگون دارد؛ در واقع این کتاب متنی است با موضوع «یاریگری» و با محوریت «انسان‌شناسی».

چرخه تولید علم

با تحقیق و پژوهش می‌توان نشان داد که یک پدیده یا فرآورده اجتماعی به چه شکلی بوده و یا به چه شکلی در آمده است. این امر می‌تواند از طریق مشاهده‌هایی صورت گیرد. در فرایند این مشاهدات است که می‌توان به تبیین^۲ پدیده‌ی مورد نظر پرداخت و چرایی آن را مورد پژوهش قرار داد و به نظریه‌پردازی پرداخت. نوعی نظریه که دی.ای.دواس^۳ در کتاب «پیمایش در تحقیقات اجتماعی» آن را نظریه زمینه‌ای^۱

عمدتاً جدای از پژوهش‌هایی هستند که محقق بدون توجه به موضوعات مد نظر و اهداف دولت و زیرمجموعه‌های آن و با هدف گسترش حوزه‌های دانش و آگاهی نسبت به واقعیت، دست به پژوهش می‌زند.
۱- در کشوری که آمارها نشان از ۳ میلیون دانشجو را نوید می‌دهند و چند برابر این عدد نیز جز باسوادان هستند، این شمارگان بسیار قابل تأمل است.

می‌نامد، «چرا که مبتنی بر مشاهده است... دیگران آن را نظریه بعد از واقعه^۲ یا نظریه پسینی^۳ می‌خوانند، چه نظریه بعد از مشاهده می‌آید نه قبل از آن» (دواس، ۱۳۸۶: ۲۱) اما این پایان تبیین نیست، تفسیر ما ولو آن که برای محقق موجه و قانع‌کننده باشد، باید برای دیگران نیز مستدل باشد، بنابراین باید با دقت مورد آزمون قرار گیرد. در اینجا نظریه به تفسیر معنای مشاهدات و الگوها کمک می‌کند که یکبار دیگر معنای یافته‌های خود را دریابیم. بنابراین همان‌طوری که مشاهدات نیازمند تبیین‌اند تا به نظریه بیانجامد، تبیین نظریه‌ها نیز مستلزم آن است که با مشاهداتی به آزمون درآید، تا به نظریه‌آزمایی ختم شود. به عبارتی صرف جمع‌آوری مشاهدات و داده‌ها و حرکت از این مشاهدات به نظریه‌پردازی کافی نیست، هم‌چنان که فقط نمی‌توان به نظریه‌پردازی پرداخت بدون آنکه آن را در برابر واقعیت به آزمون بکشیم. اما نکته‌ای که دارای اهمیت بسیار می‌باشد این است که مبدا به جهت مقید بودن به یک دیدگاه یا ارزش، در مشاهداتمان دچار سوگیری شویم. چه بسا مشاهدات متفاوت دیگری را که به یکسان موجه‌اند، نادیده بگیریم و آنگاه صرفاً شواهدی را که مدل ما را تایید می‌کنند، ببینیم. این امر برخلاف رویکرد علمی است. در یک رویکرد علمی «همین که یک دانشمند اجتماعی به تناسب ارزش‌هایش مسئله مورد بررسی‌اش را برگزید، دیگر باید ارزش‌های خود یا دیگران را کنار گذارد و به راهنمایی داده‌هایش اکتفاء کند. او نباید ارزش‌هایش را بر داده‌هایش تحمیل کند و ناگزیر است که تنها راه تحقیقی‌اش را دنبال کند، حتی اگر نتایج تحقیقاتش به آنچه عزیز می‌دارد آسیب رساند.» (کوزر، ۱۳۸۶: ۳۰۴) «در یک پژوهش علمی باید به نحو منظم و مرتب هر گونه مفهوم پیش‌ساخته را از ذهن خود دور کرد.» (دورکیم، ۱۳۸۵: ۵۳) این نگرانی کمی نیست چرا که محقق نیز فارغ از اعتقادات، جانبداری‌ها و ارزش‌ها نیست و باید واقف باشد که بعید نیست ارزش‌ها و

-
1. grounded theory
 2. post factum
 3. ex post facto

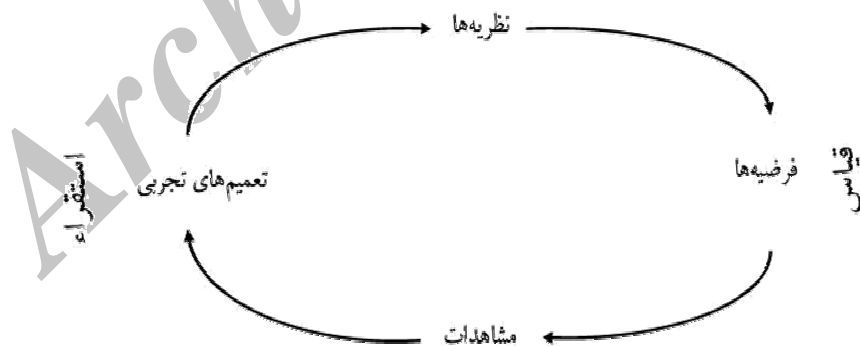
اعتقادات‌اش بر مشاهدات و تبیین‌های وی سایه افکند و فقط به مشاهداتی دست بزند که تایید کننده تبیین وی باشد. نکته کلید در نظریه‌آزمایی (فرایند قیاس) جستجوی انواع و گونه‌های متنوع واقعیات موجود است و نه صرفاً یافتن مثال‌های تایید کننده.

به هر حال فرایندی که مطرح گردید بیانگر مفهومی است با عنوان «چرخه تولید علم». بنابراین اصل، پژوهش علمی در رشته‌های علوم اجتماعی همچون جامعه‌شناسی و انسان‌شناسی تعامل مستمری است بین مشاهده، تبیین و انجام مشاهدات جدید برای آزمون تبیین اولیه و پالایش آن. چرخه معیوب تولید علم در پژوهش جامعه‌شناسی عمدتاً زمانی اتفاق می‌افتد که پژوهشگر تنها یا به نظریه‌آزمایی و یا نظریه‌پردازی می‌پردازد و باز در این میان بیشتر تحقیقات نوعی نظریه‌آزمایی هستند، حال آن که «نقش جامعه‌شناسی به معنی واقعی کلمه نظریه‌پردازی است، جامعه‌شناسی فقط حساب اجتماعی نیست» (دواس، ۱۳۸۶: ۲۰). ساختن نظریه بر مبنای مشاهدات، مرحله نخست در ارائه تبیین خوب است و پس از آن، نظریه‌آزمایی، تلاش برای آزمون دقیق نظریه ساخته شده است.

فرایند چرخه تولید علم به هر دو روش کمی و کیفی مربوط می‌شود. «در رویکرد کیفی و روش میدانی، همچون رویکرد متداول کمی، پیوند آشکاری بین نظریه و روش می‌یابیم. نظریه میدانی به منزله یکی از گونه‌های تحقیق به دنبال کشف نظریه از دل داده‌های میدانی است و اساس و شروع آن بر استقرای تحلیل قرار دارد و حتی بر خلاف روش‌هایی که تاکید آنها اساساً اثبات فرضیه‌ها و قضایای نظری است، تاکید این روش بر تولید نظریه است... بنابراین ساختن و تدوین نظریه در روش میدانی نیز گردشی است. منظور از گردشی بودن این است که محقق برای ارائه تبیین و یا تفسیر خود از واقعیت، ناگزیر است تا روابط اولیه مشاهده شده را موقتی فرض نماید و آن را با شواهد دیگر تثبیت نماید تا در نهایت به خلق نظریه منجر گردد» (ذکایی، ۱۳۸۱: ۵۷).

اما فرایند چرخه تولید علم در خلق نظریه در روش‌های کیفی و میدانی با روش‌های کمی به جهت بستر بکارگیری و یا نقطه شروع، دارای خصلتی متفاوت است. نقطه اساسی روش کیفی و میدانی، شروع کار از زمین پژوهش است. در مفهوم زمین که هم مکان و هم موضوع پژوهش را می‌سازد با قضایایی همچون «بازگشت به زمین»، «نخستین تجربه بر زمین»، «رابطه با زمین» و ... سر و کار داریم، در حالی که در بیشتر پژوهش‌های کمی با معیار دیگران به سراغ حوزه پژوهش می‌رویم و فرایند چرخه تولید علم در بستری مرتبط با زمینه خاص جامعه مورد مطالعه صورت نمی‌گیرد (روحانی، ۱۳۸۸). به عبارتی فرایند تولید علمی در روش کیفی و میدانی در بستر شرایط خاص تاریخی و اجتماعی حوزه مورد مطالعه صورت می‌گیرد. از این‌رو مطالعاتی که به روش میدانی صورت می‌گیرند، سوار بر بافت‌ها و شرایط خاص جامعه به نظریه‌سازی و نظریه‌آزمایی می‌پردازند.

به هر حال پژوهش علمی، چرخه‌ای است که علم را سامان می‌دهد و شاکله تحقیق به معنای واقعی را تشکیل می‌دهد که در شکل زیر نمایش داده شده است.



نمودار ۱- چرخه تولید علم

(منبع: بی‌بی، جلد ۱، ۱۳۸۸: ۱۳۵)

خوانش و بازخوانی آثار دکتر مرتضی فرهادی منطبق با این فرایند شناخته شده تولید علمی است. وی تعامل مستمر بین مشاهده و تبیین و نیز تعامل بین مشاهدات جدید برای تبیین اولیه را در تحقیقات خود بویژه در کار اخیر خود یعنی، کتاب «انسان‌شناسی یاریگری»، به کار گرفته است. بدین ترتیب که با مشاهداتی به تشریح مباحث پرداخته، سپس به ارائه نظریه یا رد نظریه‌ای پرداخته و با مشاهدات بیشتر و جدید خود (که نتیجه سالیان متوالی کار میدانی است) به تثبیت دعوی نظری خود اقدام نموده است. این الگوی مطرح شده نه تنها در چارچوب نظری و فکری وی در رابطه با یاریگری در ایران قابل استنباط است، بلکه در این کتاب تقریباً در تمام بخش‌های مطرح شده در آن، این حرکت از مشاهده به تبیین و از تبیین به مشاهده دیده می‌شود. این الگو و چرخه همان حرکت رفت و برگشتی بین استقرا^۱ و قیاس^۲ است که در رابطه با به کارگیری آن در کتاب انسان‌شناسی یاریگری، در ادامه به صورت دقیق‌تر مورد بحث قرار می‌گیرد، که البته این بجز تمثیل‌های هنری و شعری اوست که غالباً در پاورقی‌ها رخ نما شده است، مولف مسائلی را از جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی با کمک شعر و ادبیات تشریح می‌کند.

رفت و برگشت بین استقرا و قیاس

کاوش علمی در عمل شامل جانشینی متناوب و پایان ناپذیر استقرا و قیاس است و نظریه و تحقیق از طریق این فرایند شکل می‌گیرد. در این رابطه، والتز والاس^۳ «فرایند تدوین و شکل‌گیری نظریه را تعامل مستمری بین نظریه و مشاهده و بین نظریه‌پردازی و نظریه‌آزمایی توصیف می‌کند.» (دواس، ۱۳۸۶: ۲۹). «استدلال استقرایی از جزء به کل و از مجموعه‌ای از مشاهدات خاص به کشف الگویی که معرف درجه‌ای از نظم در

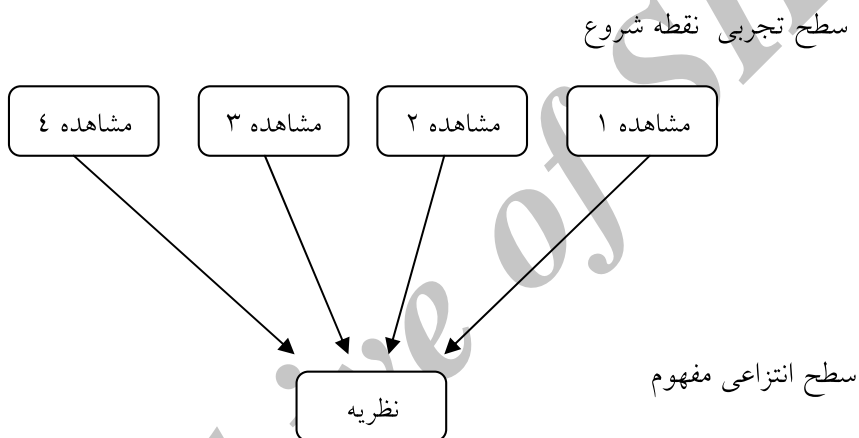
1. inductive
2. deductive
3. Wallter Wallace

میان همه رویدادهای معین است، حرکت می‌کند» (ببی، ج ۱، ۱۳۸۸: ۸۴) در حالی که استدلال قیاسی از کل به جزء حرکت می‌کند و مشاهدات خود را بر اساس یک نظریه و در جهت آزمون آن نظریه سامان می‌دهد. به عبارتی در استقراء از مشاهدات به استدلال می‌رسیم و در قیاس بر مبنای یک استدلال به مشاهدات می‌پردازیم. باید توجه داشت که این دو روش برای بدست دادن شناخت‌های قوی و کامل با یکدیگر همکاری دارند. بدین ترتیب زمانی که محقق در عرصه تحقیق به یکسری مشاهدات خاص دست می‌زند، گاه عناصر واحد و مشترکی در بین مشاهدات خود یافت می‌کند. در پی انجام مشاهدات خاص، پرسشی که مطرح می‌شود این است که: آیا این مشاهدات بازگو کننده پدیده عام‌تری است؟ در صورتی که چنین باشد محقق به تبیینی می‌رسد که شالوده شکل‌گیری یک نظریه را فراهم می‌آورد. این شیوه کلی که تشریح شد، شیوه استقرایی خوانده می‌شود که در طی آن از خاص به عام و از مشاهدات به نظریه می‌رسیم و در واقع دست به نظریه‌سازی می‌زنیم. حال «هر گاه مشاهدات مان نسبت به مفاهیم و نظریه‌های موجود جدید بوده یا با آنها تفاوت داشته باشد یا نتوان آن را به طور مناسبی با مفاهیم و نظریه‌های موجود تلخیص کرد، لازم است نظریات موجود را جرح و تعدیل کرده یا تغییر داد» (دواس، ۱۳۸۶: ۲۳) اما، این پایان فرایند تبیین نیست نظریه‌ها و تبیین‌هایی که بدین طریق شکل می‌گیرند باید در چرخه تولید علم مورد آزمون قرار گیرند، چرا که چنین تبیین‌هایی با وجود آنکه با واقعیت‌های مشاهده شده، همخوانی هم داشته باشند اما موجه‌ترین تبیین‌ها نیستند و جهت تثبیت و استحکام نظریات خود لازم است به آزمون آن از طریق مشاهدات جدید پردازیم. بنابراین در آزمون هر نظریه سعی می‌شود که به مشاهدات بیشتر و جدیدتری پرداخته شود. در اینجا از عام به خاص حرکت می‌کنیم و به نظریه آزمایی می‌پردازیم که یادآور شیوه قیاسی است. در این میان ممکن است نظریه تایید شود و یا تایید نشود، اما در هر صورت این خود حسنی دارد و موجب اصلاح و یا گسترش نظریه نخستین می‌شود و این همان چیزی است که منجر به پیشرفت علم می‌گردد.

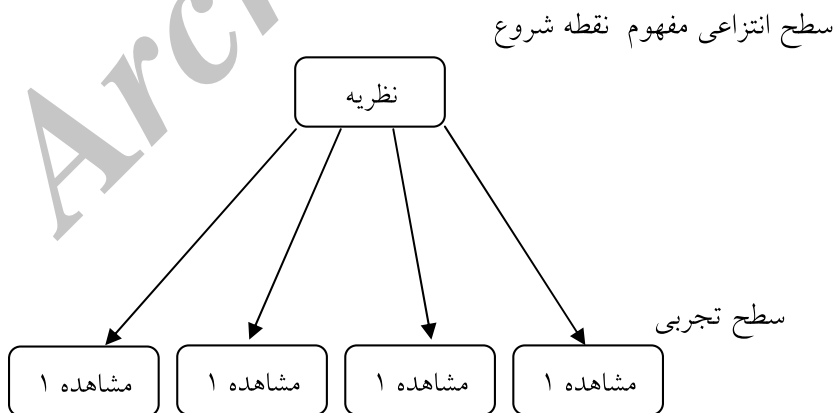
فرایندی که توصیف شد در تحقیقات علمی مرسوم است، هر چند که ممکن است مراحل یاد شده این چنین رسمی طی نشود، اما اگر تصویری کلی از یک «پژوهش علمی» در نظر بگیریم، خواهیم دید که محقق آن عملاً به همین ترتیب عمل کرده است.

نمودار ۲- نظریه‌سازی و نظریه‌آزمایی در تحقیق

شیوه نظریه‌پردازی



شیوه نظریه‌آزمایی



(منبع: دواس، ۱۳۸۶: ۲۱)

رفت و برگشت بین استقراء و قیاس در فرایند تولید نظریه یاریگری

تحقیقات میدانی دکتر مرتضی فرهادی، بویژه در کتاب «انسان‌شناسی یاریگری» در ارتباط با رفتارهای یاریگرانه؛ از جمله پژوهش‌های علمی است که به حق منطبق با فرایند رفت و برگشت بین استقراء و قیاس است. آنچه که مشهود است وی دلیل اولیه انجام پژوهش‌های میدانی خود را «نابسامانی ذهنی» می‌داند که از مشاهداتش در ارتباط با یاریگری در ایران سرچشمه گرفته است. (فرهادی، ۱۳۸۶: ۱۹) بدین ترتیب که سال‌های ابتدایی پژوهشی وی مصادف با طرح «نظریه تکروی دهقانان ایرانی» از سوی اندیشمندان خارجی و تقویت آن با پشتیبانی نظرات برخی محققین داخلی است. اما مغایرت این نظریه با مشاهدات میدانی وی و زندگی در میان روستاییان که مبین وجود همکاری بین دهقانان است بانی این نابسامانی ذهنی است که وی را وادار به انجام یک سری تحقیقات عظیم میدانی می‌کند. بدین صورت جهت حل این نابسامانی کار خود را با مشاهدات میدانی متعدد آغاز می‌کند. این مشاهدات اولیه ماحصل زندگی و تحصیل وی در میان دهقانان و کشاورزانی است که به زعم وی در کوچکترین کارها نیز از همکاری با یکدیگر دریغ نمی‌کرده‌اند. برای نمونه، می‌توان به مشاهدات اولیه عینی و بی‌واسطه وی که در نتیجه زندگی در روستاست، اشاره کرد؛ (برای نمونه رجوع شود به: فرهنگ یاریگری، ۱۳۷۳) مشاهده لایروبی قنوات با ساده‌ترین ابزار توسط دسته‌های عظیم روستاییان، همکاری‌های روستاییان در کشت و کشاورزی، همکاری بی‌چشم داشت روستاییان در چرای دام‌های یکدیگر، یاریگری روستاییان در اعیاد، مراسم مذهبی و مراسم سنتی و... از مهمترین مشاهدات اولیه وی است که منجر به این اذعان دکتر فرهادی می‌شود که: «گفته می‌شد روستاییان و عشایر ایران کاهلند، حال آن که من از آنها کوشش‌ها و کارهای شگفت‌آور می‌دیدم که بیان آنها مصداق "راست دروغ‌نما" است. گفته می‌شد روستاییان ما فردگرا و تکروند، اما دیده می‌شد که از خشت تا خشت در کارها به شکل‌های گوناگون با یکدیگر همکاری می‌کنند و اصولاً بدون

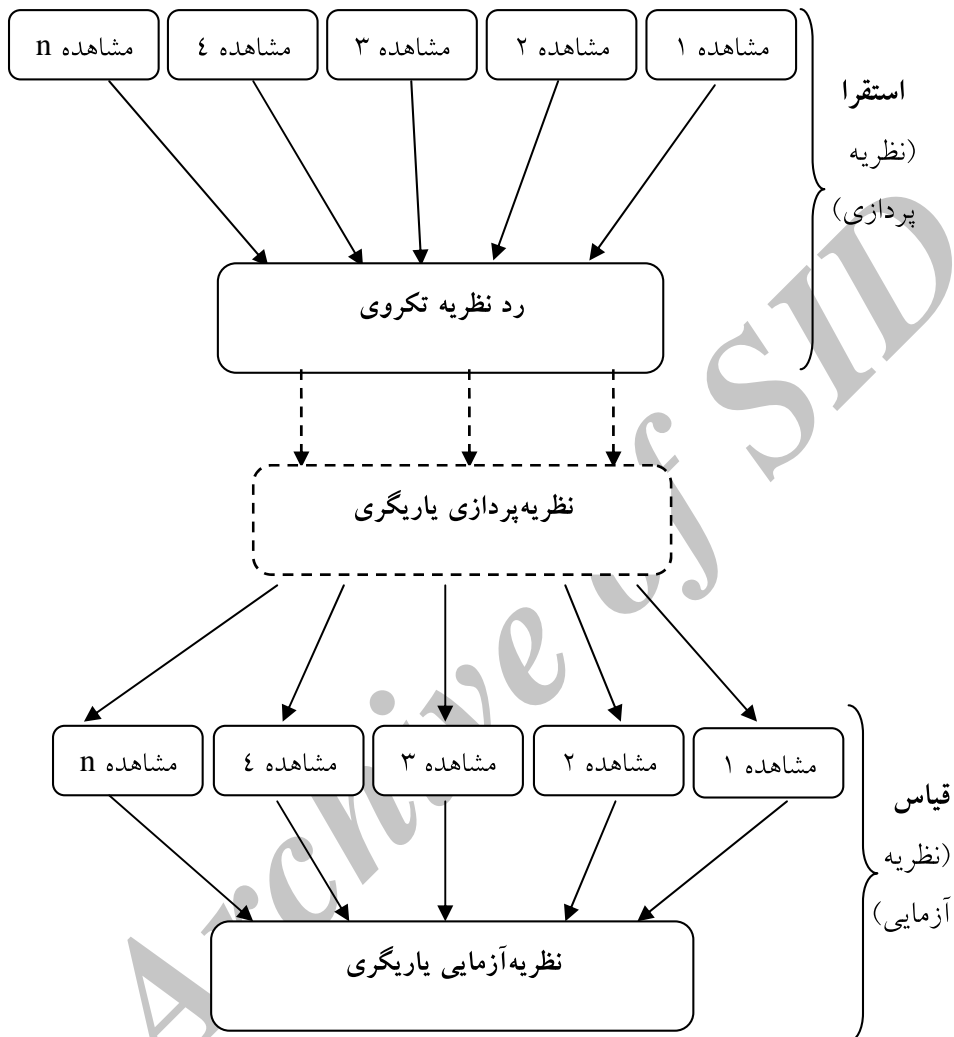
همکاری، روستاهای ایران نمی‌توانست قرن‌ها خودگردان باقی بماند.» (فرهادی، ۱۳۸۶: ۳۹) مجموع این مشاهدات پردامنه، زمینه تبیین و نظریه‌ای را مبنی بر وجود همکاری در بین دهقانان ایرانی فراهم می‌آورد. بدین ترتیب دکتر فرهادی از مشاهدات خود به تبیین و نظریه می‌رسد، چیزی که یادآور فرایند استقراء می‌باشد، یعنی محقق مشاهدات خاص خود را مبین یک واقعیت عام‌تر (یاریگری) می‌داند و در نتیجه به ارائه یک نظریه می‌پردازد. به عبارت دیگر تمام مشاهدات خاص وی موارد خاصی از یک اصل کلی است و این استقراء است، چرا که وی تعدادی از عوامل که نتیجه مشترکی دارند را بررسی کرده و این نتیجه مشترک، «نظریه یاریگری» است که در مقابل و مغایرت با «نظریه تکروی» قرار دارد. در اینجا نه مولف کتاب انسان‌شناسی یاریگری و نه هیچ محقق دیگری به صورت شفاف ادعای طی کردن فرایند استقراء به تمامی، در تحقیقات خود را ندارد، چرا که اصولاً استقراء کامل وجود ندارد و انجام تمام مشاهدات در ارتباط با یک پدیده امکان‌پذیر نیست.

مولف کتاب انسان‌شناسی یاریگری از این فرایند بهره گرفته و نظریه خود را از طریق مشاهدات جدید و بیشتر به آزمون می‌کشد و بدین ترتیب به فرایند قیاس دست زده و نظریه‌آزمایی می‌کند. این مشاهدات که باز در نتیجه تحقیقات میدانی وسیع وی است - که البته با مطالعات کتابخانه‌ای نیز پیوند زده شده است - در بسیاری از نوشته‌های وی و بویژه در کتاب انسان‌شناسی یاریگری به صورت ملموس مطرح شده است. مشاهداتی که مبین وجود یاریگری در بین روستاییان و حتی شهریانی است که در آیین، آداب و رسوم، عقاید و ادبیات آنان توسط نگارنده به دقت گزارش شده است.^۱ مجموعه مقالات و آثار پژوهشی وی، خود نمونه‌های این حرکت از نظریه به مشاهده در کار مولف است. یافته‌های تحقیقی وی در ارتباط با کوشش‌های شگفت‌آور

۱. فهرست مجموعه‌ای از کتب و مقالات دکتر مرتضی فرهادی در رابطه با نظریه یاریگری در ضمیمه همین پژوهش آورده شده است.

و دسته جمعی ایرانیان در بستن بند، سد، حفر کوره قنات، انواع کشت‌های آخوره‌ای، کوزه‌ای و سبویی، آدوری و... (رجوع شود به کتاب کشتکاری و فرهنگ، ۱۳۸۲) لایروبی دسته‌جمعی رودها و جوی‌های عظیم و طولانی، شکل‌گیری سازمان‌های جمعی سنتی همچون مال (رجوع شود به: مال؛ سازمان تولید تعاون تولید سنتی عشایر ایران، ۱۳۷۲) و بنه (رجوع شود به: بنه‌شناسی، ۱۳۶۸) و مهم‌تر از همه واره (رجوع شود به واره؛ درآمدی به مردم‌شناسی و جامعه‌شناسی تعاون، ۱۳۸۶) در روستاها و... که نتیجه پژوهش‌های وی است، تأییدی بر نظریه یاریگری و به عبارتی، حرکت از نظریه به مشاهدات بیشتر برای تثبیت تبیین اولیه وی است. به نحوی که سراسر کتاب فرهنگ یاریگری (۱۳۷۳) گواه بر تلاش وی برای به تصویر کشیدن انواع همیاری‌ها در نظام روستایی ایران است و در کتاب کشتکاری و فرهنگ (۱۳۸۲) تنها در زمینه کشت و آبیاری‌ها ده‌ها همکاری و همیاری بین کشاورزان گزارش شده است که اغلب از تیررس مشاهده تیزبینانه وی مغفول نمانده و البته سراسر آثار دیگر وی نیز همچنان، انعکاس‌دهنده وجوه پنهان انواع یاریگری‌هاست. حالت پلکانی داشتن این مشاهدات کنش یاریگرانه، که در جزئی‌ترین کنش‌های جامعه مورد مطالعه نگارنده گزارش شده است، به تثبیت نظریه یاریگری قوت دو چندان بخشیده است.

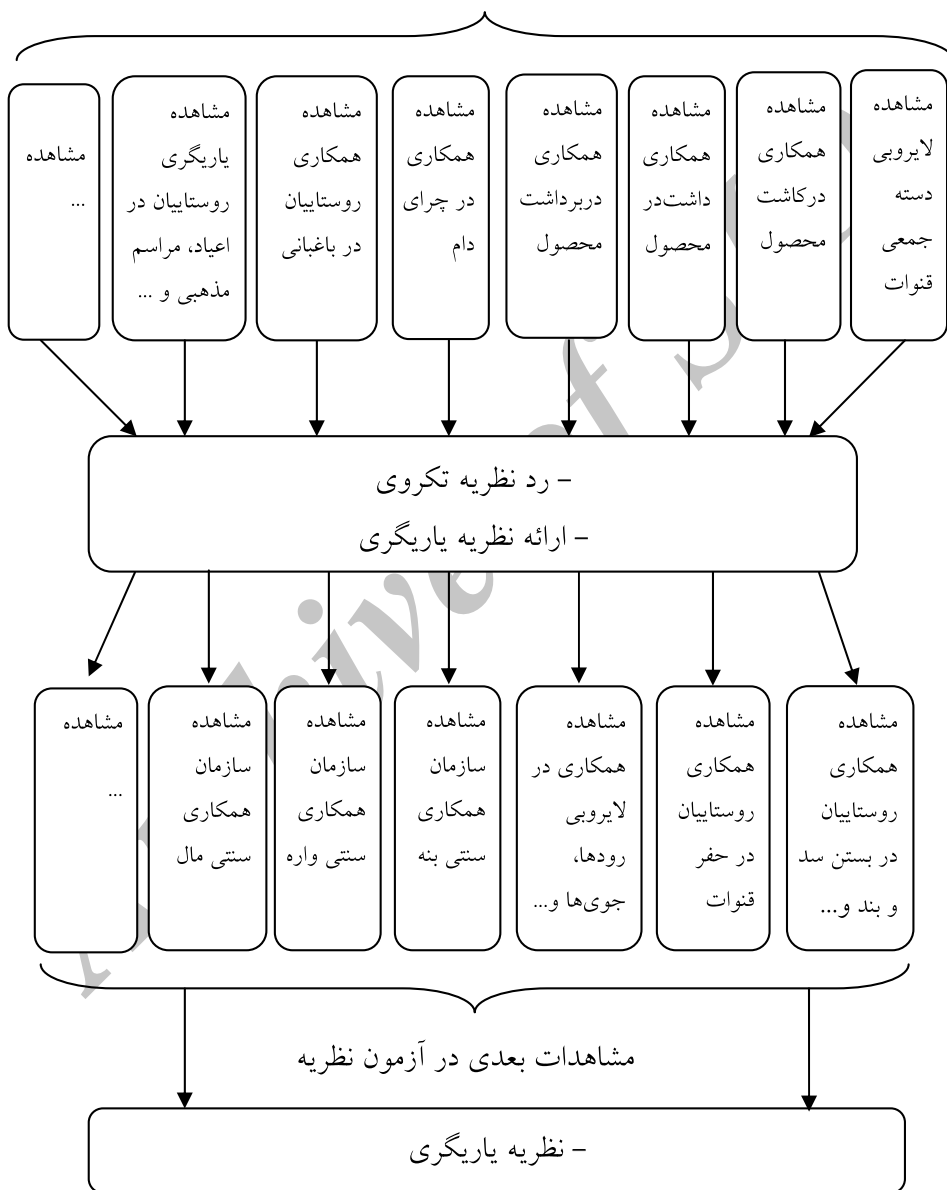
نمودار ۳- فرایند تدوین نظریه یاریگری در رفت و برگشت بین استقراء و قیاس



به هر حال وی نظریه خود را با مشاهدات جدید و بیشتر می‌آزماید و مشاهداتش گواهی تایید تبیین وی هستند. مشاهداتی که نهایتاً قوت بخش «نظریه یاریگری» است. بدین ترتیب نظرات خود را بر پایه پل ارتباطی قیاس و استقراء استوار می‌کند و شواهد را برای تبیین به کار می‌گیرد و تبیین‌اش را بر شواهد بیشتر، مستدل می‌سازد.

نمودار ۴- نظریه پردازی با بهره‌برداری از چرخه تولید علم در پژوهش‌های دکتر مرتضی

فرهادی مشاهدات اولیه در ارائه نظریه



نکته قابل بیان دیگر که به فرایند قیاس مربوط می‌شود این است که شاید بتوان یک امر ذهنی را به صورت عینی تشریح کرد. از آنجایی که قیاس با نظریه آغاز می‌شود و به شواهد ختم می‌شود باید مفاهیم را از حالت انتزاعی به حالت ملموس و عینی تبدیل کرد تا برای مخاطب آن قابل فهم گردد. کاری که ایشان نه تنها در نظریه یاریگری بلکه در بسیاری از مباحث مطرح شده توسط وی، به خوبی انجام داده است. در برخی منابع روش تحقیق از این فرایند با عنوان «پایین آمدن از نردبان انتزاع» یاد می‌شود.

پایین آمدن از نردبان انتزاع

حرکت از مفاهیم در عالم ذهن به معرف‌ها و مصادیق در عالم عین که جهت آزمون پذیر کردن مفاهیم و یا سهولت بخشیدن به انتقال یافته‌ها صورت می‌گیرد، در کتاب انسان‌شناسی یاریگری به هیچ وجه نادیده گرفته نشده است. مولف در این کتاب در ابتدای هر بحث پس از مطرح کردن قضیه‌های کلی و مفهومی از نردبان انتزاع پایین آمده و با پیاده کردن مفاهیم خود در عالم عین، به تشریح و تقویت قضیه‌های خود پرداخته است. این حرکت از مفاهیم ذهنی به مصادیق نه تنها به تثبیت و تقویت حکم اولیه کمک می‌کند بلکه منجر به آسان فهم کردن مباحث برای خواننده می‌گردد. بدین ترتیب مؤلف جهت طی کردن این فرایند به طرح الگوها و نمونه‌هایی می‌پردازد که ماحصل مشاهدات میدانی و مطالعات کتابخانه‌ای وی می‌باشد. وی این حرکت از امور کلی و ذهنی به جزئیات و امور عینی را به صورت مکرر و با تعدد زیاد انجام می‌دهد، تا جایی که حتی در آخرین مراحل تشریح یک موضوع، در صورت لزوم، از ادبیات بهره می‌گیرد و تمثیل اشعار، حکایات و ضرب‌المثل‌ها را که تثبیت‌گر و یا نشان‌دهنده لایه‌های پنهانی ذهن انسان‌هاست و حقایق زیادی را در درون خود پنهان کرده‌اند را،

ابزار عملیاتی کردن^۱ مفاهیم خود قرار می‌دهد. حرکت از مفاهیم انتزاعی (سازه) به امور عینی از طریق الگوها و نمونه‌ها و حتی پیش رفتن تا سطح ادبیات، نهایت کاری است که یک محقق در یک پژوهش علمی جهت متقاعد کردن مخاطبان و البته تقویت نظریه‌های مطرح شده، می‌تواند انجام دهد. نمونه‌های چنین کاری در آثار دکتر مرتضی فرهادی و بویژه در کتاب انسان‌شناسی یاریگری به وفور به چشم می‌خورد. صحبت از یاریگری در میان دهقانان ایرانی، همه زمانی و همه مکانی بودن یاریگری، رفتارهای یاریگرانه در میان حیوانات و جانوران، ساخت‌های جهانی همکاری، و... نمونه‌های بارزی است که وی در آن، این فرایند را طی کرده است. برای نمونه زمانی که مولف از همه زمانی و همه مکانی بودن همکاری صحبت به میان می‌آورد، در ابتدا که صحبت از همه‌زمانی و همه‌مکانی بودن پدیده یاریگری امری انتزاعی و سخنی ذهنی به نظر می‌رسد، مؤلف با استناد به مشاهدات و یا مطالعات خود به ارائه نمونه‌های گوناگون همکاری و با جزئیات آن در ازمینه قدیم (از دوران شکار و کشاورزی تا مصر و بابل و ایران قدیم) و در مکان‌های گوناگون (ایران، آفریقای جنوبی، مکزیک، افغانستان، تاجیکستان، جمهوری آذربایجان و...) می‌پردازد که این همکاری‌ها به قول مؤلف، شاید در عرضیات متفاوت باشند اما در جوهر با هم مشابه‌اند (فرهادی، ۱۳۸۸: ۳۶۰) و این چنین مبحث خود را از حالت انتزاعی اولیه خارج و در نتیجه قابل درک می‌کند (برای نمونه نک به: انسان‌شناسی یاریگری، فصل هشتم). نمونه دیگر و بارزتر پایین آمدن از نردبان انتزاع زمانی است که مولف در مقدمه کتاب انسان‌شناسی یاریگری نظریه «خیر محدود» جرج فاستر را رد و نظریه خیر نامحدود را مطرح می‌نماید. بدین صورت که ابتدا مفاهیم را تعریف و تشریح می‌کند و سپس جزئیات اعتقادات ایرانیان و روستاییان به وجود خیر نامحدود را استدلال نظریه خود قرار می‌دهد و تا جایی پیش می‌رود که به ضرب‌المثل‌ها و اشعار محلی رایجی می‌رسد که وی در نتیجه مشاهده در محل ثبت

کرده و گویای اعتقاد روستاییان به یک خیر نامحدود و وسیع است. (برای نمونه نک به: مقدمه انسان‌شناسی یاریگری، صفحات ۲۴-۴۳) یا زمانی که مولف همکاری در میان گردآورندگان خوراک و شکار را به میان می‌آورد و همکاری را ضرورت سبک زندگی آنان مطرح می‌کند، با مثال‌ها و شواهد متعدد، چه در مناطق روستایی ایران و چه در دیگر سرزمین‌ها، مبحث مطرح شده را برای خواننده خود به دقت ملموس می‌کند. (برای نمونه نک به: انسان‌شناسی یاریگری، صفحات ۱۴۸-۱۵۹) و این تنها نمونه‌هایی از طی طریق این فرایند است که بیش از این امکان باز کردن آن در این مجال نیست.

بدین ترتیب پایین آمدن از نردبان انتزاع که ابزار اصلی عملیاتی کردن مفاهیم و جزء جدایی ناپذیر پژوهش علمی است، ویژگی بارز مؤلف کتاب انسان‌شناسی یاریگری است که جدای از قضاوت در مورد تایید و یا عدم تایید نتایج به دست آمده، بیانگر انجام پژوهشی عظیم، عمیق، گسترده و علمی است. جهت تکمیل مبحث مطرح شده، نمونه‌ای از این فرایند که از کتاب انسان‌شناسی یاریگری (مقدمه، صفحات ۲۴-۴۳) استنباط شده، در نمودار ۵ آمده است.

همان گونه که در نمودار ۵ مشخص شده است، دکتر مرتضی فرهادی در رد نظریه اعتقاد دهقانان به خیر محدود، ابتدا مفاهیم ذهنی مرتبط با موضوع را طی چند مرحله تشریح می‌کند و سپس در طی مراحل بعدی، به مصادیق و نمونه‌هایی از همکاری‌ها و اشعار و ضرب‌المثل‌های رایج در میان روستاییان و دهقانان اشاره می‌کند تا از این طریق فهم مفاهیم ذهنی که در ابتدا مطرح شد امکان‌پذیرتر و نظریه خیر نامحدود برای خواننده ملموس گردد.

نمودار ۵- پایین آمدن از نردبان انتزاع در تشریح نظریه خیر نامحدود^۱



* برای نمونه: هر آن کس که دندان دهد نان دهد

- هر آن کس که داد این دوک ما را رایگان/پنبه خواهد داد بهر ریسمان

- قربان دست بسیار چه در خوردن چه در کار

- خواجه پندارد که روزی ده دهد/ او نمی‌داند که روزیده دهد

۱- این مبحث از دکتر مرتضی فرهادی در رد نظریه اعتقاد دهقانان به خیر محدود جرج.م. فاستر است. فاستر در نتیجه پژوهش در میان منطقه‌ای از مکزیک نتیجه می‌گیرد که اصولاً دهقانان به محدودیت منابع و خیر معتقدند و همین امر منجر به رکود و فقر آنان شده است. حال آن که فرهادی مطرح می‌کند که دهقانان و یا دست کم دهقانان و روستاییان ایران اعتقادی به خیر محدود ندارند.

نتیجه گیری

گزینش یاریگری و نظام مشارکتی به جای نظام رقابتی و ستیزه‌آفرین، که هدف اصلی دکتر مرتضی فرهادی در نظریه یاریگری است، در شرایط فعلی جهان که گوش‌ها را از فردیت و ستیز و رقابت پر کرده است، دشواری کار را برای تثبیت آن نمایان کرده است. واقعیت آن است که پرداختن به موضوع یاریگری در میان نظام رقابت‌پرور کنونی نیازمند خلاقیت و آفری در شناساندن آن است که به نظر می‌رسد یکی از عوامل توفیق دکتر فرهادی در این راه، روش علمی پژوهش وی است. بدین ترتیب که از آنجایی که موضوع یاریگری و کنش‌های مبتنی بر همکاری از جمله موضوع‌هایی است که به دلیل خصلت «طبیعی بودن» آن (منظور از طبیعی بودن، متداول بودن آن نیست، بلکه منظور تصنعی نبودن و حالت نمایشی نداشتن همکاری است) مستلزم کار میدانی است، مؤلف کتاب انسان‌شناسی یاریگری نیز به روش میدانی و با کمک تکنیک مشاهده مشارکتی به بررسی رفتارهای یاریگرانه پرداخته و مشاهدات اولیه خود را مبنای کارش قرار داده است. وی این کار میدانی خود را با مطالعات کتابخانه‌ای پیوند داده که اگر چه تأکیدش بر مشاهده مشارکتی است اما در حین بکارگیری این روش، از روش‌های گردآوری اسناد و... نیز استفاده می‌نماید تا صحت و اعتبار بیشتری را به یافته‌های خویش ببخشد و در نتیجه به ارائه مباحثی مبنی بر همه‌مکانی و همه‌زمانی بودن همکاری، وجود همکاری در میان حیوانات، رد نظریه تکروی در ایران و... و در مجموع به ارائه نظریه‌ای در تایید ضرورت فراگیر بودن یاریگری برای حیات جمعی، سالم و ماندگار در جوامع بشری و بویژه جامعه ایرانی می‌پردازد.

در این راه می‌توان اذعان کرد که به لحاظ روش‌شناسی، دکتر فرهادی با بهره‌گیری از مشاهدات متعدد و حرکت رفت و برگشتی بین استقرا و قیاس یافته‌های پژوهشی خود را قابل دفاع ساخته است. این ویژگی در یک پژوهش بیانگر «علم‌گرایی» است که خود منجر به توفیق در دستیابی به شناخت علمی می‌شود. البته آنچه که بنیه‌های

دعای دکتر فرهادی را، ضمن پیوند استقرا و قیاس در پژوهش، بیش از پیش تقویت نموده است، تشریح قضایا با پایین آمدن از نردبان انتزاع تا سرحد بکارگیری فرهنگ عمومی و لایه‌های پنهان آن در قالب اشعار، ضرب‌المثل‌ها، حکایات و ... است که باعث شده از کاربری روش‌های مرسوم تحقیق خارج و عنصر تمثیل (حرکت از جزء به جزء) را به فرایند چرخه تولید علم اضافه نماید و بدین ترتیب گامی فراتر در راه شناخت علمی بردارد. حرکت بر مبنای یک الگوی علمی شناخته شده و استفاده هوشمندانه از فرایند تمثیل با اشعار، ضرب‌المثل‌ها، ترانه‌ها، حکایات و ... که عمدتاً برگرفته از بستر بومی جامعه می‌باشد، معرف بکارگیری یک روش پژوهش علمی و دستیابی به یک شناخت علمی می‌باشد، که در این مورد خاص مورد بحث، نهایتاً خروجی آن خلق نظریه‌ای بومی در مردم‌شناسی در میان گمگشت‌های نظریه‌سازی در علوم اجتماعی است. نظریه‌ای که به سبب به جان خریدن مشقت‌های کار میدانی، پرهیز از تکیه صرف بر نظریات وارداتی، وجود ارتباط پژوهشگر با جامعه، پرهیز از سیاسی‌سازی پژوهش و امتناع از ورود حوزه مقدس علم (حقیقت‌جو) به حوزه نامقدس علم پول‌مدار حقیقت‌گریز، پژوهش در علوم اجتماعی را وارد فاز اصیلی نموده است.

منابع

- اعتماد، شاپور و دیگران. (۱۳۸۲)، مقاله ساختار معرفتی علم در ایران؛ سال ۲۰۰۱، **نامه علوم اجتماعی**، شماره ۲۱.
- بی‌بی، ارل. (۱۳۸۸)، **روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی (جلد اول)**. ترجمه: رضا فاضل، تهران: انتشارات سمت.
- بی‌تس، دانیل و پلاگ، فرد. (۱۳۸۹)، **انسان‌شناسی فرهنگی**، ترجمه: محسن ثلاثی، انتشارات علمی.

- دواس، دی، ای. (۱۳۸۶). پیمایش در تحقیقات اجتماعی. ترجمه: هوشنگ ناییب. تهران: نشر نی.
- دواس، دیوید. (۱۳۸۷). طرح تحقیق در تحقیقات اجتماعی. ترجمه: هوشنگ ناییب. تهران: انتشارات آگاه.
- دورکیم، امیل. (۱۳۸۵). قواعد روش جامعه‌شناسی، ترجمه: علی محمد کاردان، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ذکایی، محمد سعید. (۱۳۸۱). نظریه و روش در تحقیقات کیفی، فصلنامه علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی، شماره ۲۰.
- روحانی، حسن. (۱۳۸۸). روش کیفی و نظریه سازی، مندرج در سایت انسان‌شناسی و فرهنگ به آدرس: <http://anthropology.ir/node/2720>
- ریویر، کلود. (۱۳۸۲). درآمدی بر انسان‌شناسی، ترجمه: ناصر فکوهی، تهران: نشر نی.
- ساروخانی، باقر. (۱۳۸۶). روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی، بینش‌ها و فنون. (جلد ۲)، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- سیلورمن، دیوید. (۱۳۸۱). روش تحقیق کیفی در جامعه‌شناسی، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران: موسسه فرهنگی انتشارات تبیان.
- فرهادی، مرتضی. (۱۳۸۸). انسان‌شناسی یاریگری. تهران: نشر ثالث.
- فرهادی، مرتضی. (۱۳۸۶). واره (درآمدی به مردم‌شناسی و جامعه‌شناسی تعاون)، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- فرهادی، مرتضی (۱۳۶۸). بنه‌شناسی؛ پیشینه پژوهش، نقد آراء در چگونگی پیدایش بنه، مجله تحقیقات جغرافیایی، شماره ۱۵.
- فرهادی، مرتضی (۱۳۷۳). فرهنگ یاریگری در ایران، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

- فرهادی، مرتضی. (۱۳۷۹)، مال، سازمان تولید تعاون تولید سنتی عشایر ایران، فصلنامه عشایری ذخایر انقلاب، دوره جدید، شماره ۳ و ۴.
- فرهادی، مرتضی. (۱۳۸۲)، کشتکاری و فرهنگ، تهران: موسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی وزارت جهاد کشاورزی.
- فکوهی، ناصر. (۱۳۸۲)، تاریخ اندیشه و نظریه‌های انسان‌شناسی، تهران: نشر نی.
- کریمی، جلیل؛ کچویان، حسین. (۱۳۸۵)، مقاله پوزیتیویسم و جامعه‌شناسی در ایران، نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۸.
- کوزر، لوئیس. (۱۳۸۶)، زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی. ترجمه: محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی.
- محمدی، بیوک. (۱۳۷۱)، روش‌شناسی مردمی، مجله علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی شماره ۳ و ۴.
- میترو، پولسکی. (۱۳۷۸)، سیر تحولات اجتماعی. ترجمه: م.پ. کاشانی، تهران: چاپ پخش.
- ضمیمه: فهرست برخی از کتب و مقالات دکتر مرتضی فرهادی در زمینه «نظریه یاریگری»
فهرست کتب:
- فرهادی، مرتضی. (۱۳۷۳)، فرهنگ یاریگری در ایران، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.^۱
- (۱۳۸۲)، کشتکاری و فرهنگ، تهران: موسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی وزارت جهاد کشاورزی.

۱- برنده جایزه نخست نهمین جشنواره روستا (وزارت جهاد سازندگی) و کتاب برگزیده سیزدهمین دوره کتاب سال جمهوری اسلامی در زمینه علوم اجتماعی و کتاب برجسته هفتمین دوره کتاب‌های برگزیده دانشگاه‌های کشور، از سوی دانشگاه تهران.

----- (۱۳۸۶)، واره، (درآمدی به مردم‌شناسی و جامعه‌شناسی تعاون)،
تهران: شرکت سهامی انتشار^۱.

----- (۱۳۸۹) انسان‌شناسی یاریگری، تهران: نشر ثالث.

فهرست مقالات:

----- فرهادی، مرتضی. (۱۳۶۱)، آدمی‌گری و یاریگری. (واقعیت‌ها و ضرورت‌ها و پیشینه
یاریگری. (همکاری، مشارکت)، در تاریخ آدمیان)، فصلنامه علوم اجتماعی، شماره
۱۵ و ۱۶.

----- (۱۳۶۴)، گونه‌شناسی یاری‌ها و یادگیری‌های سنتی در ایران، کیهان
فرهنگی، سال ۲.

----- (۱۳۶۴)، یاریگری‌ها و تعاون‌های سنتی در زمینه آب و آبیاری در ایران،
ماهنامه زیتون، شماره ۳۷ و ۴۴ و ۴۵.

----- (۱۳۶۴)، فرهنگ یاری در کشتکاری، ماهنامه جهاد، شماره ۱۳ و ۱۴ و
۱۵.

----- (۱۳۶۶)، فرهنگ یاری در آبیاری، ماهنامه جهاد، شماره ۹۷ و ۹۸.

----- (۱۳۶۷)، فرهنگ یاری در باغداری، ماهنامه سنبله، شماره ۳ و ۴.

----- (۱۳۶۷)، آیا کشاورزان ایرانی تکرر هستند؟، فصلنامه تعاون روستایی
و کشاورزی، شماره ۳ و ۴.

----- (۱۳۶۸)، بُر‌بُری: رقابتی که به یاریگری می‌انجامد، فصلنامه رشد
آموزش علوم اجتماعی، شماره ۲.

۱- کتاب برگزیده بیستمین دوره کتاب سال جمهوری اسلامی در زمینه علوم اجتماعی و برنده
جایزه و دیپلم افتخار سومین جشنواره ملی زن و روستا (عذرا).

----- (۱۳۶۸)، بنه‌شناسی؛ پیشینه پژوهش، نقد آراء در چگونگی پیدایش بنه،

مجله تحقیقات جغرافیایی، شماره ۱۵.

----- (۱۳۶۹)، انواع خودیاری و گونه‌آمیزی‌های آن، فصلنامه رشد علوم

اجتماعی، شماره ۵.

----- (۱۳۶۹)، دگریاری و خودیاری در جشن میان‌بهار در اسک لاریجان

آمل، فصلنامه رشد علوم اجتماعی، شماره ۲.

----- (۱۳۷۰)، واره، گمنام و بی‌آوازه با صد نام و آوازه. (رساله‌ای در باب

تاریخ نوعی تعاونی کهن و زنانه)، نامه علوم اجتماعی، دوره‌جدید، جلد دوم

شماره ۲.

----- (۱۳۷۰)، واره و دلایل تداوم آن، فصلنامه علوم اجتماعی، سال اول،

شماره ۱ و ۲.

----- (۱۳۷۲)، لایروبی و جشن پایان لایروبی و حکومت زنان در توجه‌غاز

سامن ملایر، فصلنامه رشد علوم اجتماعی، شماره ۱۷.

----- (۱۳۷۳)، نظریه‌های همکاری در کار اندیشه‌ورزان و دانشمندان علوم

اجتماعی و دلایل کم‌توجهی به آن، فصلنامه تعاون روستایی و کشاورزی، دوره

جدید، شماره ۱ و ۲.

----- (۱۳۷۴)، رفتارهای یاریگرانه جانوران، فصلنامه تعاون روستایی و

کشاورزی، شماره ۳ و ۴.

----- (۱۳۷۵)، چند پرسش، یک دیدگاه، ماهنامه تعاون، دوره جدید، شماره

۵۸.

----- (۱۳۷۸)، مردم‌نگاری دانش‌ها و فن‌آوری‌های سنتی، "نان شب"

مردم‌نگاران ایران». نمایه پژوهش، سال سوم، ش ۱۱ و ۱۲.

----- (۱۳۷۸). **موزه‌های بازیافته**، گمانه‌زنی‌هایی در فرهنگ عشایر و روستائیان سیرجان، بافت، بردسیر و شهر بابک استان کرمان، تهران: انتشارات کرمان‌شناسی.

----- (۱۳۷۹)، کله و شبان و یاریگری در چراندن دام چکند (خرده‌مالکی)، در ایران، **فصلنامه تحقیقات جغرافیایی**، شماره ۵۸ و ۵۹.

----- (۱۳۷۹)، مال، سازمان تولید تعاون تولید سنتی عشایر ایران، **فصلنامه عشایری ذخایر انقلاب**، دوره جدید، شماره ۳ و ۴.

----- (۱۳۷۹)، مشارکت زنان روستایی و ایلی در گروه‌های یاریگر و سازمان‌های تعاونی سنتی، **فصلنامه اقتصاد و کشاورزی و توسعه**، سال ۲.

----- (۱۳۷۹)، بحران محیط زیست در ایران و لزوم بازنگری و دانش‌های مردمی و راهکارهای فرهنگ ملی، **نمایه پژوهش**، شماره ۱۳ و ۱۴.

----- (۱۳۷۹)، چون و چراهایی بر نظریه تکروری و فردگرایی تاریخی ایرانیان و به ویژه کشاورزان ایرانی، **مجموعه مقالات سمینار بررسی علل و عوامل تقدم مصالح جمعی بر منافع فردی**، تهران: انتشارات باز.

----- (۱۳۸۰)، آیا کشاورزی ایران بدوی است؟، **فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه**، سال نهم، شماره ۳۸.

----- (۱۳۸۱)، فضای مفهومی مشارکت، **فصلنامه علوم اجتماعی**، شماره ۱۹.

----- (۱۳۸۱)، نقد آراء، در تعریف و نظریه‌های گونه‌شناسی یاریگری، **نامه انسان‌شناسی**.

----- (۱۳۸۸)، ساخت جهانی همکاری، **فصلنامه علوم اجتماعی**، شماره ۲۶.

----- (۱۳۸۸)، بازتاب آموزه‌های دینی در فرهنگ ایرانی و بنیادهای دگریار

ناهمتراز، فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۴۶.

----- (۱۳۸۹)، بازتابیده یاریگری در زبان و ادب فارسی (مشارکت در فرهنگ

ایرانی)، کیهان فرهنگی، شماره ۲۸۲ و ۲۸۳.

Archive of SID